

کارایی تأمین اجتماعی و اقتصاد سیاسی

عزت‌الله عباسیان

دانشیار اقتصاد دانشگاه بوعالی سینا همدان

abbasian@basu.ac.ir

وحید محمودی

دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

vmahmodi@ut.ac.ir

عبدالحمید عادلی

کارشناس ارشد علوم اقتصادی

adeli@tpo.ir

سه بار شدن جمعیت سالمدان در چهار دهه اخیر توجه بیش از پیش به برنامه‌های بازنیستگی و تأمین اجتماعی را می‌طلبد. این مطالعه ضمن تبیین این موضوع مؤلفه‌های اثرگذار بر شکل‌گیری و رشد برنامه‌های تأمین اجتماعی در کشورهای مختلف دنیا را در قالب تئوری‌های سیاسی و تئوری‌های اقتصادی-جمعیتی مشخص می‌نماید و با محور قرار دادن این تئوری‌ها به رابطه ساختار سیاسی و تأمین اجتماعی می‌پردازد. همچنین، مطالعه حاضر با معرفی شاخص دیکسون به عنوان شاخصی برای تعیین کارایی تأمین اجتماعی به کمک تحلیل‌های رگرسیونی عوامل سیاسی و اقتصادی مؤثر بر کارایی تأمین اجتماعی را برآورد می‌کند. تابع نشان می‌دهد در کشورهایی که از درجه آزادی سیاسی بیشتری برخوردارند، سیستم‌های تأمین اجتماعی کارایی بالاتری دارند در حالی که برای کشورهای فقیر و ثروتمند که درجه آزادی سیاسی‌شان پایین است مؤلفه‌های اقتصادی از جمله سهم جمعیت بالای ۶۵ سال و توزیع ناعادلانه درآمد بر کارایی تأمین اجتماعی مؤثر است و عوامل سیاسی نقش چندانی در کارایی ندارد.

طبقه‌بندی JEL: D70, F52, H11, H55

واژه‌های کلیدی: تأمین اجتماعی، اقتصاد سیاسی، شاخص دیکسون، تئوری‌های سیاسی، تئوری‌های کارایی.

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر لزوم توجه به سالمدان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و رشد قابل ملاحظه‌ای در مخارج تأمین اجتماعی و مستمری بازنیستگی رخ داده که این اتفاق در کشورهای صنعتی با افزایش تعداد سالمدان در ترکیب جمعیتی شان مشهودتر است. به عنوان مثال، براساس گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO) در دهه ۹۰ میلادی نسبت مخارج مستمری بازنیستگی به تولید ناخالص داخلی برای کشورهای اتریش، فرانسه و ایتالیا بیش از ۱۰ درصد بوده است. با درنظر گرفتن کاهش میزان باروری کلی از یک سو و کاهش میزان مرگ و افزایش امید به زندگی از سوی دیگر ساختار سنی جمعیت از گروههای سنی جوانتر به پرتر تغییر می‌یابد. میرفلاح نصیری (۱۳۸۶) تغییرات در ساختار هرمی جمعیت در دنیا و ایران را چنین گزارش کرده است: بر پایه اعلام سازمان ملل تعداد افراد ۶۰ ساله و بیشتر جهان در سال ۱۹۵۰ بالغ بر ۲۰۵ میلیون نفر بوده که این تعداد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۶۲۹ میلیون نفر (سه برابر) افزایش یافته است که حدود ۱۰ درصد جمعیت کل جهان را تشکیل می‌دهد. پیش‌بینی انجام شده نشان می‌دهد که تعداد جمعیت سالخوردگان جهان در سال ۲۰۵۰ به حدود ۲ میلیارد نفر افزایش یابد که برای اولین بار از تعداد افراد زیر ۱۵ سال بیشتر خواهد بود. در حال حاضر، به ازاء هر یک نفر جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر ۱۰ نفر در جهان زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود این رقم طی ۵۰ سال آینده به نصف کاهش یابد.

جمعیت سالمدان در ایران از حدود ۱/۶ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ به حدود ۱/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ بالغ شد. به عبارت دیگر، طی ۴ دهه اخیر این بخش جمعیت ۳/۲ برابر شده است و متوسط رشد سالانه جمعیت سالمدان حدود ۱/۷ برابر متوسط رشد سالانه جمعیت کشور است. بنابراین با توجه به سه برابر شدن جمعیت سالمدان در چهار دهه گذشته لزوم توجه به برنامه‌های تأمین اجتماعی و بازنیستگی از دغدغه‌های پیش‌روی بسیاری از دولتمردان و سیاستگذاران در سراسر دنیاست.

این مقاله در تلاش است ضمن تأکید بر ضرورت موجودیت برنامه‌های تأمین اجتماعی جنبه‌های مختلفی را که می‌توان در طراحی و بازنگری در سیستم‌های تأمین اجتماعی و مستمری بازنیستگی لحاظ نمود را تیسن نماید. علاوه بر این، بررسی‌ها و مطالعات پیشین در معرفی برنامه‌های تأمین اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن هزینه‌ها و مخارج صورت گرفته بر برنامه‌های تأمین اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته‌اند، در حالی که در مطالعه حاضر و در رویکردی جدید کارایی برنامه‌های تأمین اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و این تغییر رویکرد با معرفی شاخص دیکسون که معرف کارایی سیستم تأمین اجتماعی در کشورهای مختلف است صورت پذیرفه است.

بنابراین در بخش دوم مقاله با مروری بر ادبیات موضوع عوامل مؤثر بر برنامه‌های تأمین اجتماعی و ضرورت پرداختن به این موضوع از منظر سیاسی و اقتصادی می‌پردازیم. با تبیین فضای اقتصاد سیاسی برنامه‌های تأمین اجتماعی و مروری بر مطالعات انجام گرفته در این خصوص در بخش سوم مقاله بر کارایی تأمین اجتماعی تمرکز پیشتری نموده و به معرفی متغیرها و نحوه تقسیم‌بندی کشورها پرداخته می‌شود. چگونگی جمع آوری داده‌ها

و تصریح و تخمین مدل موضوعی است که در بخش چهارم بررسی شده است. درنهایت در بخش پنجم به جمع‌بندی مطالب مطرح شده و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۲. مرواری بر ادبیات موضوع

دوران کهن‌سالی روزگاری است که همه زمانی تجربه خواهند کرد، ایامی که توانایی و قدرت انسان رو به تحلیل می‌گذارد. بنابراین، خود شخص و یا نزدیکان وی در جوانی در صدد برミ آیند الزامات کافی جهت رفاه خود برای ایام پیری را فراهم سازد. از سوی دیگر، توجه به نیازمندان و دستگیری از سالمدنان، کاهش شکاف درآمدی جامعه، چگونگی تأمین مالی صندوق‌های بازنیستگی و تأمین اجتماعی از مواردی است که نیاز به دخالت دولت‌ها در طراحی و بازنگری برنامه‌های تأمین اجتماعی را روشن می‌سازد. نوع نگاه و نحوه تصمیم‌گیری افراد و دولت‌ها نسبت به ایجاد و اصلاح برنامه‌های تأمین اجتماعی و تقابل و تعامل طرفین (فرد-دولت) سناریوهای مختلفی را در شکل‌گیری تئوری‌ها و مدل‌های تأمین اجتماعی ایجاد کرده است.

برنامه‌های تأمین اجتماعی و مستمری بازنیستگی شکل‌گرفته تا رفاه برای سالمدنان فراهم شود، این موضوع صرفاً از دید کرامت انسانی قابل بررسی است یا تعداد سالمدنان در هرم جمعیتی نیز در شکل‌گیری برنامه‌ها اهمیت دارد؟ نحوه برخورد دولت‌ها با این موضوع چگونه است؟ آیا دولت‌ها در ایجاد برنامه‌ها بدبناه دستگیری از نیازمندان و سالمدنان هستند و تلاش می‌کنند به توزیع عادلانه درآمد کمک کنند یا قبل از آن برای کسب مشروعيت است که به تأمین اجتماعی اهمیت می‌دهند؟ برنامه‌های تأمین اجتماعی برای جبران مکانیزم شکست بازار بوجود آمده و آیا اصلاح و بازنگری در برنامه‌های تأمین اجتماعی می‌تواند پایدار و همیشگی باشد یا تحولات سیاسی بر اجرای این برنامه‌ها اثرگذار است؟ پاسخ به این پرسش‌ها و موارد مشابه زمانی میسر است که تمام بعد تأثیرگذار بر تأمین اجتماعی شناسایی و مورد ارزیابی قرار گیرد. به عنوان مثال، مؤلفه‌های اقتصادی از جمله ضریب جینی، نسبت میانگین به میانه درآمدی و نرخ مالیاتی در تبیین رویکرد تأمین اجتماعی برای بازتوزیع مجدد درآمد کمک شایانی می‌کنند و یا در پاسخگویی به چرایی دخالت دولت در ایجاد و اصلاح برنامه‌ها، توجه به نظر اکثریت در انتخابات و یا شکل‌گیری گروه‌های همسود یا گروه‌های فشار در فرایندهای سیاسی می‌تواند راهگشا باشد. در این مقاله سعی شده است بعد مذکور بهویژه از دو منظر سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد.

از بعد سیاسی، تأمین اجتماعی نتیجه یک فرایند انتخاباتی یا کشمکش سیاسی بین دو گروه یا ییشتراز دو گروه شهروندان در جذب منابع از یکدیگر است. به این ترتیب دو روش عمله برای مدلسازی تأمین اجتماعی از منظر سیاسی وجود دارد:

الف) مدل‌های رأی‌گیری اکثریت

در این مدل، گروه‌ها به نرخ‌های مالیاتی تأمین اجتماعی رأی می‌دهند و خروجی سیاسی مطابق نرخ مالیاتی است که رأی اکثریت را آورده است. مدل یکبار برای همیشه بروونینگ (۱۹۷۵) و مدل سالمندان به عنوان رهبران ائتلاف برنده تابلینی (۱۹۹۲) که به اختصار به آنها اشاره می‌شود از نمونه این مدل‌هاست:

- سالمندان به عنوان رهبران ائتلاف برنده: سالمندان اکثریت رأی دهنده‌گان را تشکیل نمی‌دهند، بنابراین آنچه آنها می‌توانند جهت تصویب برنامه‌های تأمین اجتماعی انجام دهند این است که مزایایشان را به سایر گروه‌های رأی دهنده پیوند دهند که یک ائتلاف اکثریت تشکیل شود. تابلینی (۱۹۹۲) با استفاده از چنین رویکردی مطرح می‌کند که سالمندان در یک مبارزه سیاسی، ائتلافی با فقرات تشکیل می‌دهند به منظور حمایت از سیاستی که در آن بازندگان نزاع سیاسی یعنی ثروتمدان و جوانان پرداخت کننده مالیات می‌شوند. براساس این رویکرد می‌توان تشریح کرد که چرا برنامه‌های تأمین اجتماعی به وسیله دولت اجرا می‌شود و چرا تأمین اجتماعی جایگزین سایر مخارج دولتی می‌شود.

- انتخاب یکبار برای همیشه: روش دومی که سالمندان می‌توانند پیروز یک رأی‌گیری باشند آنست که آنها ائتلافی با میانسالان تشکیل دهند. به عنوان مثال، برنامه‌های تأمین اجتماعی ممکن است در کوتاه‌مدت هر چند به ضرر میانسالان باشد اجرا شود، اما مزایای این برنامه‌ها در بلندمدت به همان میانسالان نیز می‌رسد زیرا آنها نیز روزگاری دوران پیری را تجربه خواهند کرد. طرح پیشنهادی به اینصورت می‌باشد: در آغاز هر دوره و با وجود افراد حاضر جوانان و میانسالان به مقدار T مالیات پرداخت خواهند کرد و سالمندان سویسیدی به اندازه $2T$ دریافت خواهند کرد. توجه کنید که با این سیاست میانسالان امروز مقدار T پرداخت می‌کنند و مقدار $2T$ به دست می‌آورند به طوری که سود خالص آنها برابر مقدار T است. از این رو، میانسالان به چنین سیاستی علاقه‌مند هستند. سالمندان هم چیزی پرداخت نمی‌کنند و مقدار $2T$ دریافت می‌کنند و آنها نیز به این سیاست علاقه‌مند هستند. جوانان در مقادیر فعلی سربه سر هستند، زیرا آنها در دو دوره مقدار T پرداخت می‌کنند و در یک دوره مقدار $2T$ مزایا دریافت می‌کنند، به طوری که آنها با چنین سیاستی مخالف نیستند. با توجه به آنچه گفته شد این سیاست برنده انتخابات است و بروونینگ استدلال می‌کند که هیچ دلیل وجود ندارد که نگران باشیم این سیاست در انتخابات بعدی بازنده شود و از این رو منطقی است که فرض کنیم سیاست همیشگی و بادوام است. لازم بذکر است در تشریح مدل‌های رأی‌گیری می‌توان از مدل‌هایی که قدرت و تو یا قانون اساسی را به عنوان ابزاری در شکل‌گیری برنامه‌های تأمین اجتماعی مؤثر می‌دانند نیز نام برد. براساس این مدل‌ها، شرط لازم برای ایجاد تغییرات اساسی و ماهوی در سیاست اقتصادی رأی اکثریت است، اما شرط لازم این است که تغییرات مغایر قانون اساسی یا منافع گروه‌های ذی‌نفوذ و پرقدرت نباشد. هنسن و استوارت (۱۹۸۹) قرارداد ضمنی را بین نسل‌های مختلف بررسی

می‌کنند که براساس این قرارداد گروه اقلیت که سالمدان با نفوذ هستند مانع از آن می‌شوند که تغییراتی درجهت بهخطر افتدن منفع آنان حاصل شود.

ب) مدل‌های گروه فشار

برخلاف مدل‌های رأی‌گیری مدل‌های گروه فشار بر چگونگی تشکیل گروه‌های همسود تمرکز می‌کنند. سالمدان با تشکیل گروه‌های فشار و لایی با سایر گروه‌ها به دنبال نفع حداکثری در فرایندهای سیاسی هستند. از آنجاکه در کشورهای غیر دموکراتیک فرایند رأی‌گیری و انتخابات عادلانه و منصفانه نیست موجودیت برنامه‌های تأمین اجتماعی در این کشورها از طریق این مدل‌ها تبیین می‌شود. نظر گالاسو و پروفتا (۲۰۰۲) مدل‌های گروه‌های فشار دو رویکرد دارند: مدل‌های توابع نفوذی و مدل‌های توابع حمایتی.

مدل‌های توابع نفوذی: در این مدل‌ها رقبابت بین گروه‌های خاص یعنی پرداخت کنندگان مالیات و دریافت کنندگان یارانه‌ها شکل می‌گیرد. برنده رقبابت گروهی است که بتواند بر رقیب خود نفوذ بیشتری اعمال کند. به عنوان مثال، سالمدان با صرف وقت و تشریح دلایل اقتصادی برنامه‌های تأمین اجتماعی برای جوانان آنان را مقاعده می‌کنند که برنامه‌های تأمین اجتماعی را انتخاب کنند. مولی گان و مارتین (۱۹۹۹) یک نمونه از این مدل‌ها را تشریح می‌کنند. این مدل که به مدل فزونی زمان معروف است به تبیین نقش زمان در شکل گیری فشارهای سیاسی می‌پردازد. در این مدل استدلال می‌شود که گروه‌هایی که اعضای آنها کمتر کار می‌کنند موفق تر هستند، توجیه مهم برای این فرض این است که اگر افراد کار نکنند نگرانی‌های سیاسی شان کمتر است و می‌توانند تلاششان را برای دریافت مستمری بازنیستگی یا انتقال منابع از سایر گروه‌ها متوجه کنند. به عبارت دیگر، افراد بازنیسته با انگیزه‌تر از شاغلین هستند زیرا آنها به لحاظ زمانی که در اختیار دارند دقت بسیاری بر سیاست‌ها دارند و ضمن اینکه جوانان باید نگران سیاست‌های اشتغال نیز باشند.

به طور خلاصه خروجی سیاسی در این مدل‌ها به فشار گروه، اندازه گروه و دیگر ویژگی‌های گروه که بواسطه آن می‌شود بر گروه‌های دیگر اعمال نفوذ کرد وابسته است. در اینگونه مدل‌ها دلایل اقتصادی اهرم فشار بر گروه‌های دیگر است. همانطور که در مدل بالا نیز اشاره شد ایشان بر مؤلفه‌های اقتصادی- جمعیتی تمرکز کرده اند که سالمدان از سرمایه انسانی کمتر و از بهره‌وری کمتری برخوردارند و دستمزد پایین‌تری دریافت می‌کنند. بنابراین، برای سالمدان وضع نرخ مالیات بالا بر اعضای گروه و تشویق آنان به بازنیستگی هزینه کمتری دارد. ضمن اینکه در ایام بازنیستگی ایشان وقت بیشتری دارند تا با جوانان لایی کنند و از آنها امتیاز بگیرند. ثانیاً از آنجاکه جوانان نیز زمانی ایام پیری را تجربه خواهند کرد در مقابل این فشارها مقاومت کمتری می‌کنند. دو دلیل عنوان شده سیاستگذاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در رقبابت مذکور سالمدان پیروز می‌شوند.

مدل‌های توابع حمایتی: در اینگونه مدل‌ها تأمین اجتماعی خروجی یک فرایند سیاسی است که در آن دولت تابع حمایتی که شامل دو نسل پیر و جوان است حداکثر می‌کند. ورهون و وربن (۱۹۹۱) به تشریح یک نمونه از این مدل‌ها می‌پردازند.

همانطور که در بخش‌های قبل نیز توضیح داده شده عوامل اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر برنامه‌های تأمین اجتماعی است. گالوسو و پروفتا (۲۰۰۲) پنج عامل اقتصادی را که منجر به علاقه‌مندی سالمدان و جوانان به برنامه‌های تأمین اجتماعی می‌شود را طبقه‌بندی کرده‌اند.

ناکارایی پویا: سامولسون (۱۹۵۸) و ایرون (۱۹۶۶) معتقدند تأمین اجتماعی در شرایطی که نرخ ضمنی بازدهی تأمین اجتماعی پیشتر از نرخ بازدهی انباشت سرمایه باشد یعنی شرایطی که اقتصاد در شرایط ناکارا قرار داشته باشد منجر به علاقه‌مندی افراد جوان به تأمین اجتماعی می‌گردد.

اق کاهشی زمان: از نظر بروونینگ (۱۹۷۵) افراد می‌انسال از برنامه‌های تأمین اجتماعی استقبال می‌کنند، زیرا ایشان صرفاً ارزش فعلی و آتی سهم پرداختی به تأمین اجتماعی را در نظر می‌گیرند و سهم‌های پرداختی گذشته را به عنوان هزینه‌های برگشت ناپذیر قلمداد می‌کنند. به عبارت دیگر، این افراد کل هزینه‌ها را به حساب نمی‌آورند و از خود می‌پرسند چند سال دیگر باید سهم ییمه بدنهند تا بازنشسته شوند و به افق پیش روی خور نگاه می‌کنند نه به گذشته.

جانشینی جبری: کولی و سووارز (۱۹۹۹) و بولدرین و راسیتی بر این باورند که برنامه‌های توزیع مجدد بین نسلی از قبیل بدھی دولتی و یا تأمین اجتماعی به جانشینی جبری سرمایه و کاهش دستمزد واقعی و افزایش بازدهی واقعی سرمایه منجر می‌شود. این موضوع توزیع مجددی را به نفع دارندگان سرمایه و دارایی و به ضرر افرادی که متکی به درآمد نیروی کار هستند سبب می‌شود.

توزیع مجدد بین گروهی: تابلینی (۲۰۰۰) کازماتا و سایرین (۱۹۹۹) معتقدند که افراد جوان به دلیل مؤلفه‌های موجود در توزیع مجدد بین گروه‌ها به برنامه‌های تأمین اجتماعی نظر مثبت دارند و خانواده‌های کم درآمد از برنامه‌های تأمین اجتماعی پیشتر از انباشت سرمایه منتفع می‌گردند.

از خود گذشتگی: هنسن و استوارت به تشریح سیستم تأمین اجتماعی می‌پردازند که در آن جوانان نسبت به سالمدان حسن فداکارانه‌ای دارند و در انتخاب نوع پس انداز جاریشان رفتار فداکارانه جوانان در آینده را در نظر می‌گیرند. علاوه بر موارد یاد شده مولی گان و سالا-ای-مارتین (۲۰۰۴) نیز به معرفی برخی از تئوری‌های کارایی تأمین اجتماعی می‌پردازند. این تئوری‌ها ناکارایی‌های بازار را مشخص می‌کنند و تأمین اجتماعی را راهی برای کاستن این نارسایی‌ها می‌دانند. برخی از این تئوری‌ها عبارتند از:

تأمین اجتماعی به عنوان یمه بازنشستگی؛ هدف تأمین اجتماعی جبران درآمدی است که خانوارها در ایام بازنشستگی، مرگ یا معلولیت کارگری از دست می‌دهند و برنامه‌های تأمین اجتماعی حمایت‌های لازم را در مقابل چنین خطراتی بر عهده دارد. یکی از راه‌ها جهت جبران ناتوانی در ایام پیری پس انداز خصوصی در ایام جوانی است و راه دیگر خرید انواع یمه است. هر فردی راجع به سلامتی و توانایی خود در کسب درآمد در ایام پیری اطلاعات خصوصی دارد و آنهایی که بیشتر احتمال می‌دهند در ایام پیری ناتوان شوند به برنامه‌های یمه توجه و پژوهی نشان می‌دهند. تئوری‌های همگرایی بازار نیروی کار: براساس این تئوری برنامه‌های تأمین اجتماعی موجب توزیع مجدد کار از سالمدان به جوانان می‌شود. این دیدگاه چند نسخه دارد. یکی از آنها این است که چون جوان‌ها بهره‌وری بیشتری دارند بهتر است که جوان‌ها دارای شغل باشند. نسخه دیگر این است که دولت می‌خواهد از چنین سیاستی پیروی کند، زیرا یکاری بالاتر به لحاظ سیاسی کمتر مورد قبول است تا تعداد بالاتر بازنشستگان زودتر از موعد (در واقع آمار اقتصادی بازنشستگان را در آمار یکاران نمی‌آورد).

تأمین اجتماعی به عنوان راه حلی جهت حل مسئله ولخرجی پدر: زمانی که افراد جوان هستند رفتار اسرافی در پیش می‌گیرند و به فکر ایام پیری و بازنشستگی خود نمی‌باشند و پس انداز لازم را برای این ایام فراهم نمی‌کنند. این تئوری، تأمین اجتماعی را راه حلی برای جلوگیری از اسراف در ایام جوانی و جمع‌آوری پس انداز برای ایام پیری می‌داند. تئوری مذکور در دو نسخه بررسی می‌شود:

• اسراف نزد یک‌بین^۱

اولین نسخه فرض می‌کند که سالمدان در زمان جوانی به قدر کافی نگاه به آینده ندارند. مطابق این نسخه افراد موقعي که در ایام جوانی به سر می‌برند ممکن است دچار اشتباه شوند و پس انداز کمی داشته باشند. نتیجه بحث اینکه برای دولت مطلوب است که نقش یک پدر را ایفا کند و شهروندان را به داشتن پس اندازی مناسب مجبور کند.

• اسراف منطقی و عقلابی^۲

نسخه دوم این تئوری به نظر دقیقاً مخالف نسخه قبلی است. والدین در ایام جوانی در چنین حوزه‌هایی آینده‌نگری می‌کنند و نه تنها نیازهای زمانی پیش‌بینی می‌کنند، بلکه رابطه فرزندان و سایر افراد جامعه به این نیازها را نیز در نظر می‌گیرند. این نسخه مانند مسئله سواری مجانی^۳ است افراد انتظار دارند جامعه در موقعیت‌های بد و

1. Myopic Prodigality
2. Rational Prodigality
3. Free-Rider

دشوار به کمک آنها بیاید، از این رو جوانان در دوره جوانی به فکر پس‌انداز برای ایام پیری خود نیستند. راه حل مسئله ولخرچی پدر آن است که جوانان امروز را مجبور به پس‌انداز کرده و در ایام پیری از موجودی پس‌انداز به آنها پرداخت شود.

عملکرد اقتصادی دولت بر روی هزینه‌های اجرایی تأمین اجتماعی: براساس استدلال دیاموند (۱۹۹۳) و سایرین هرچند تأمین اجتماعی هدف طرح‌های مستمری بازنیستگی خصوصی است، اما تأمین اجتماعی توسط دولت اجرا می‌شود زیرا دولت از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس استفاده می‌کند و چون برنامه‌های تأمین اجتماعی در مقیاس‌های کلانی طراحی شده لذا صرفه‌های ناشی از مقیاس آن محسوس است.

استاد زنجیروار در اقتصادهای پویا: برخی از افراد بر این باورند که تأمین اجتماعی شیه یک بازی پوتزی سند زنجیری است و بر این اساس نسل اول سالمدنان میزان مستمری T را از جوانان دریافت می‌کنند و در قبال آن نسلی که هنوز متولد نشده‌اند با نرخ معینی از بازدهی به جوانان امروزی مستمری می‌دهند (فریدمن، ۱۹۹۴ و رومر، ۱۹۷۲).

۳. تأمین اجتماعی و نوع حکومت

در سطور پیشین به تأمین اجتماعی از دو منظر سیاسی و اقتصادی اشاره شد. در این بخش به نحوه شکل‌گیری برنامه‌های تأمین اجتماعی در رژیم‌های مختلف حکومتی با درنظر گرفتن معیارهای سیاسی و اقتصادی پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، در طبقه‌بندی حکومت‌ها در شکل‌گیری تأمین اجتماعی دیدگاه سیاسی صرف، دیدگاه اقتصادی صرف و ترکیبی از این دو دیدگاه ارزیابی می‌شود:

۳-۱. شکل‌گیری تأمین اجتماعی صرفاً از دیدگاه سیاسی

برخی از مطالعات اقتصاد سیاسی در تشریع پیدایش و رشد تأمین اجتماعی نهادهای رأی‌گیری را بکار برده‌اند. در این مطالعات به این مطلب که دولت‌های غیردموکراتیک و اقتدارگرا باید انتظار داشتن تأمین اجتماعی را داشته باشند اشاره‌ای نمی‌شود، اما زمانی که نهادهای رأی‌گیری را در تشریع شکل‌گیری و رشد تأمین اجتماعی فرض می‌کنند به این نتیجه می‌رسند که تأمین اجتماعی بدون دموکراسی تمایل کمتری به پیدایش و رشد دارد. دلیل مهمی که چرا تأمین اجتماعی و سایر مکانیزم‌های توزیع مجدد می‌توانند در مدل‌های رأی‌گیری شکل گیرند این است که آراء شدت برتری یک سیاست را تشریح نمی‌کند به عنوان مثال، رأی کسی که با شدت ۶۰ درصد به یک برنامه رأی موافق می‌دهد با رأی کسی که با شدت ۱۰۰ درصد به یک برنامه رأی می‌دهد تفاوتی ندارد.

۲-۳. شکل‌گیری تأمین اجتماعی صرفاً از دیدگاه اقتصادی

تعدادی از تئوری‌های سیاست عمومی از درنظرگرفتن تمام سیاست‌ها با هم چشم‌پوشی می‌کند و فرض می‌کند که سیاست‌های عمومی موجود موجب افزایش کارایی اقتصادی می‌شود. براساس این رویکرد متغیرهای توضیحی کلیدی اقتصادی و جمعیتی هستند، زیرا این متغیرها در تعیین کارایی نقش ویژه‌ای دارند و بر عکس عوامل سیاسی (از قبیل مکانیزمی که به وسیله آن تصمیمات سیاسی اتخاذ می‌شود) فرض بر این است که نقش کمتری در تعیین اهمیت سیاست‌های عمومی دارند. یکی از نمونه‌های این رویکرد متعلق به بارو (۱۹۷۹) است. وی یک تئوری از بدھی‌های عمومی بنادرد و نشان می‌دهد که این تئوری نقشی کارا در جلوگیری از تحریف‌های مالیاتی دارد. وی اشاره می‌کند که زمانبندی مخارج دولتی و وضعیت اقتصاد عواملی کلیدی تعیین‌کننده برای مقدار و رشد بدھی‌های دولت است و به این خاطر وی بر متغیرهای اقتصادی تأکید می‌کند. بارو اهمیت نهادهای رأی‌گیری را در تعیین بدھی‌های دولتی کمتر می‌داند مگر اینکه این عوامل سیاسی در تعیین متغیرهای اقتصادی نقش ویژه‌ای داشته باشند.

همانطور که در بخش قبل نیز توضیح داده شد مارتین (۱۹۹۶) تئوری معینی را بر پایه کارایی اقتصادی بنا کرده است. وی در این تئوری ادعاییش در مورد کارایی برنامه‌های تأمین اجتماعی را کاملاً تشریح می‌کند، به طوری که ما انتظار داریم هیچ تفاوتی مربوط به برنامه‌های تأمین اجتماعی در کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک وجود نداشته باشد، ضمن اینکه به عواملی که از نظر اقتصادی تعیین‌کننده کارایی هستند بپریم.

۳-۳. ترکیبی از دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی

بکر (۱۹۸۳) و بکر و مولی گان (۱۹۹۸) و سایرین به فرایندهای سیاسی در ایجاد یک تئوری سیاست عمومی توجه داشته‌اند، اما با این حال بر نقش کارایی نیز تأکید کرده‌اند. آنها استدلال می‌کنند به عنوان مثال زمانی که توزیع مجدد از نظر اقتصادی کاراست فرایندهای سیاسی نیز منجر به توزیع بیشتر می‌شوند و متغیرهای تعیین‌کننده مقدار کارایی توزیع مجدد برای درک اینکه چرا برخی از دولت‌ها بیشتر از بقیه به توزیع مجدد می‌پردازند و یا چرا توزیع مجدد دولت‌ها در طول زمان درحال افزایش است متغیرهای مهمی هستند.

همانطور که در بخش پیش گفته شد مولی گان و مارتین (۱۹۹۹) تئوری درخصوص تأمین اجتماعی مطرح می‌کنند و علاوه بر توجه به فرایندهای سیاسی عوامل تعیین‌کننده جمعیتی و اقتصادی تأثیرگذار را نیز لحاظ کرده‌اند. به عبارت دیگر، آنها به مکانیزمی که به وسیله آن تصمیمات عمومی اتخاذ می‌شود، همچنین متغیرهای اقتصادی و جمعیتی که بر این مکانیزم‌ها اثر متقابل می‌گذارند تأکید داشته‌اند.

در این تئوری‌ها با درنظرگرفتن عوامل تعیین‌کننده کارایی و عوامل تعیین‌کننده اقتصادی مؤثر بر سیاست نشان داده شده که برنامه‌های تأمین اجتماعی در کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک مشابه هستند. اندازه

جمعیت سالمند تأثیر بسزایی در کارایی برنامه‌های حمایت از سالمندان و برنامه‌های تأمین اجتماعی دارد، لذا سهم تأمین اجتماعی در تولید ناخالص داخلی باید به واسطه کسری از جمعیت بالای سن خاص افزایش یابد. اندازه گروه‌ها نیز بر تصمیمات سیاسی مؤثر است، به طوری که هرچه تعداد یک گروه بیشتر باشد از قدرت سیاسی بیشتری نیز برخوردارند. از دو مطلب اخیر مستفاد می‌شود که متغیرهای اقتصادی و جمعیتی بر مخارج تأمین اجتماعی تأثیر خواهند گذاشت اما تأثیر دموکراسی مبهم و نامشخص است.

جنبه دیگری که مولی گان و مارتین (۱۹۹۹) در ترکیب دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی در نظر گرفتند به مدل‌های تقليیدی^۱ نامگذاری شده است. براساس این مدل‌ها، حکومت‌های غیردموکراتیک نگاهی مشابه به دموکراسی‌ها دارند زیرا رهبران کشورهای غیردموکراتیک تمایل دارند که از کشورهای دموکراتیک تقليید کنند. به عنوان مثال، ممکن است مردم یک کشور غیر دموکراتیک سیاست‌های عمومی که در یک کشور مردم سalar و دموکراتیک اجرا می‌شود را بینند و در مقام مقایسه با سیاست‌های کشور خودشان برآیند و از این رو، دست به شورش و طغيان بزنند و انقلاب‌های بالقوه شکل گيرد. دیکاتورها و حاكمان کشورهای غیردموکراتیک مطلب مذکور را تشخيص می‌دهند و بنابراین سیاست‌هایی را انتخاب می‌کنند که مشابه سیاست‌های اتخاذ شده در کشورهای دموکراتیک است.

به عنوان مثال، اگر رشد نابرابری در کشورهای دموکراتیک منجر به گسترش تأمین اجتماعی گردد، براساس پیش‌بینی مدل‌های تقليیدی کشورهای غیردموکراتیک نیز با نگاه به کشورهای دموکراتیک برنامه‌های تأمین اجتماعی را گسترش خواهند داد. بر طبق این دیدگاه شکاف سیاسی موجود بین کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک کوچکتر از تأثیر حاصل از دموکراسی می‌باشد. این مطلب در مورد حکمرانان کشورهای دموکراتیک نیز مصدق دارد، چراکه در کشورهای دموکراتیک نیز شهر وندان به منظور تشخيص سیاست‌های عمومی نامناسب و بد اينگونه سیاست‌ها را با سیاست‌های کشورهای همسایه مقایسه می‌کنند. حکمرانان دموکراتیک نیز این مطلب را می‌دانند و سعی می‌کنند از برنامه‌های همسایگانشان منحرف نشوند (اثر تقليیدی). در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و اقتصادی در برنامه‌های تأمین اجتماعی و تمرکز بر اقتصاد سیاسی اين برنامه‌ها در مطالعات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۴. پيشينه تحقيق

کات رایت (۱۹۶۵)، جک من (۱۹۷۵) و پامپل و ویلیامسن (۱۹۸۵) نشان می‌دهند که همبستگی ضعیفی بین دموکراسی و برنامه‌های مستمری بازنیستگی و رفاهی وجود دارد، اما خاطرنشان می‌کنند که توسعه اقتصادی

1. Copycat or Imitation Model

احتمالاً ناشی از چنین برنامه‌هایی است و لذا توسعه اقتصادی و دموکراسی با یکدیگر همبستگی دارند. آنها با ثابت نگهداشتن متغیرهایی از قبیل سن و درآمد دریافتند که کشورهای دموکراتیک و غیر دموکراتیک براساس معرفی برنامه‌های اجتماعی شیوه به هم هستند. استرالی و روبلو (۱۹۹۳) با ثابت نگهداشتن GDP سرانه هیچ رابطه‌ای بین دموکراسی و تعداد اقلام هزینه‌ها و مالیات‌های دولت پیدا نکردند. سن (۱۹۹۹) نشان داده است که دولت‌های مردم سalar طی دوران کمبود مواد غذایی از قحطی بهتر جلوگیری کرده‌اند.

دو گان و سیندر (۱۹۹۳) دریافتند که رژیم‌های مردم سalar و غیر مردم سalar تمايل به محدود کردن تجارت‌شان دارند با این تفاوت که رژیم‌های استبدادی خواهان کاربرد تعریف هستند در حالی که رژیم‌های دموکراتیک تمايل به استفاده از سهمیه‌بندی دارند.

لیندرت (۱۹۹۴) در مطالعات مربوط به کشورهای اروپایی و کشورهای پیشرفته آمریکای جنوبی در یک قرن اخیر (زمانی که هنوز نیمی از این کشورها دموکراتیک نبودند) دریافت با ثابت نگهداشتن درآمد و سن کشورهای دموکراتیک بر حسب مخارج مستمری بازنشستگی، رفاه، یکاری و بهداشت شیوه کشورهای غیر دموکراتیک بوده‌اند. وی همچنین خاطرنشان می‌کند که بیشتر کشورهای توسعه‌یافته امروزی در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ دموکراتیک شده‌اند، در حالی که عمدۀ رشد تأمین اجتماعی در چنین کشورهایی حداقل در ۵۰ سال اخیر اتفاق افتاده است. البته باید در نظر داشت که این مطالعات صرفاً به بررسی رابطه بین مخارج عمومی و معیارهای خاصی از نهادهای دموکراتیک در کشورها پرداخته‌اند. به عنوان مثال، لیندرت دریافت که هر چه تعداد شرکت‌کنندگان در رأی گیری^۱ بیشتر باشد مخارج اجتماعی نیز بیشتر است. همچنین، پرسون و دیگران (۲۰۰۰) دریافت که دموکراسی‌های وابسته به ریاست جمهوری مخارج کمتری نسبت به دموکراسی‌های وابسته به پارلمان دارند. مولی گان، ژیل و مارتین (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای که براساس داده‌های مقطعی برای ۹۰ کشور دنیا و برخی کشورهای خاص به صورت موردی انجام دادند نتایجی را به دست آورده‌اند که به صورت خلاصه عبارتند از:

- با ثبات سهم جمعیت بالای ۶۵ سال و ثبات تولید ناخالص داخلی سرانه شواهدی وجود ندارد که دولت‌های مردم سalar در مقایسه با دولت‌های غیر مردم سalar سهم بزرگتری از تولید ناخالص داخلی را در تأمین اجتماعی هزینه کنند.

- در کشورهای مردم سalar و غیر مردم سalar رابطه بین هزینه‌های بازنشستگی با متغیرهای جمعیتی و اقتصادی یکسان است.

- هم رگرسیون مطالعات موردی و هم رگرسیون مقطعی کشورها نشان می‌دهد که دموکراسی هیچ‌گونه تأثیری بر طرح برنامه تأمین اجتماعی ندارد. آنها^۹ مطالعه موردی نیز در مورد یونان، پرتغال، اسپانیا، ایتالیا، آرژانتین،

برزیل، شیلی، پرو و اروگوئه طی دوره (۱۹۶۰-۱۹۹۰) داشته‌اند. مبنای انتخاب تغییرات سیاسی بسیار زیاد و مشابه‌های اقتصادی و جمعیتی این کشورها است. به استثنای یونان و شیلی ایشان نشان داده‌اند که کشورهای غیردموکراتیک پس از تجربه کردن دموکراسی برنامه‌هایشان را تغییر ندادند. مشابه همین مطلب برای کشورهایی که دموکراتیک بوده‌اند و بعد غیردموکراتیک شده‌اند نیز مصدق دارد. یونان یک استثناست، زیرا مخارج طی دوره (۱۹۷۴-۱۹۶۷) که رژیم به یک رژیم نظامی تبدیل شده است رشد بسیار کمی داشته است اما قبل و بعد از این رژیم رشد مخارج مشابه رشد مخارج در کشورهای دموکراتیک بوده است. آنها همچنین یک الگوی متضاد در کشور شیلی پیدا کردند. در این کشور بیشترین رشد مخارج مربوط به دوره (۱۹۸۰-۱۹۲۵) می‌شود. طی این دوره رژیم غیردموکراتیک شیلی توسط ژنرال پینوشه اداره شده است.

کار تجربی انجام گرفته توسط مارتین، ژیل و مولی گان در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهند که کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک که از لحاظ اقتصادی و جمعیتی مشابه هستند بر حسب شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی از لحاظ خریدهای دولت، مخارج آموزشی، مستمری بازنشستگی و برنامه‌های رفاهی مشابه هستند.

تحقیقات مذکور و مطالب عنوان شده در ادبیات موضوع به دنبال پاسخی برای این سؤال که تا چه حد مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی می‌توانند بر شکل گیری و گسترش برنامه‌های تأمین اجتماعی اثرگذار باشند. اختلاف و تکثر آراء در این خصوص مورد بحث قرار گرفت و نشان داده شد که مبتنی بر تئوری‌های سیاسی غیر رأی گیری، مدل‌های تقليدی و توجه صرف به مؤلفه‌های اقتصادی شکل و رشد برنامه‌های تأمین اجتماعی به نوع حکومت بستگی ندارد و این برنامه‌ها در کشورهای مردم سالار و اقتدارگرا یکسان است. این مطالعه این موضوع را به خاطر رقابت بین کشورهای مردم سالار با یکدیگر و با کشورهای دیگر، تلاش رهبران کشورهای غیردموکراتیک برای کسب مشروعيت بیشتر با اختصاص مخارج بیشتر به برنامه‌های تأمین اجتماعی و ارائه آمار و ارقام اغراق‌آمیز به سازمان‌های بین‌المللی به چالش می‌کشد و بجای تمرکز بر مخارج اختصاص یافته به برنامه‌های تأمین اجتماعی به کارایی برنامه‌ها می‌پردازد و با محور قراردادن کارایی برنامه‌های تأمین اجتماعی سعی در پوشش نقاط ضعف نامبرده دارد. به این منظور، از شاخص دیکسون که معرف کارایی تأمین اجتماعی استفاده می‌شود تا بتوان مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار بر تأمین اجتماعی را با دقت بیشتری ارزیابی کرد.

۵. معرفی متغیرها و تقسیم‌بندی کشورها

۵-۱. شاخص دیکسون

رتبه‌بندی سیستم‌های تأمین اجتماعی در دنیا براساس اهداف چندگانه و بعضًا متضاد و برنامه‌های متنوع ترتیبات مالی و اجرایی دارای پیجیدگی‌های بغرنجی است، لذا برای ارزیابی باید تعديلاتی صورت گیرد. جان دیکسون در سال ۲۰۰۰ با بررسی روش‌هایی که قادر به بررسی اهداف حقوقی هر کشور است به ارزیابی

سیستم‌های تأمین اجتماعی در ۱۷۲ کشور دنیا پرداخته است. ارزیابی وی در چهار مرحله صورت گرفته است:

- مرحله اول: مجزا کردن مجموعه گسترده‌ای از ۸۶۰ ویژگی طرح‌های تأمین اجتماعی مربوط به پوشش برنامه‌های اصلی با توجه به برخورداری از مزایا، تدارک مزایا و ترتیبات اجرایی و مالی
- مرحله دوم: طبقه‌بندی اکثر ویژگی‌های سیستم تأمین اجتماعی با توجه به میزان مقبولیتی که در سراسر جهان دارند.
- مرحله سوم: بازنگری ویژگی‌های طرح‌های تأمین اجتماعی در ۱۷۲ کشور دنیا با استفاده از مجموع داده‌های سازمان تأمین اجتماعی آمریکا و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی^۱
- مرحله چهارم: محاسبه امتیاز مربوط به رتبه هر سیستم تأمین اجتماعی دیکسون امتیازبندی سیستم تأمین اجتماعی برای هر کشور را به صورت زیر محاسبه کرده است:

$$R = a\left(\frac{(Psum + H)}{11}\right) + b(F) + c(A) \quad (1)$$

Psum: مجموع تمام امتیاز‌های مربوط به ارزیابی طرح برنامه‌های تأمین اجتماعی
H: امتیاز ارزیابی طرح خدمات درمانی^۲ تأمین اجتماعی
F: امتیاز ارزیابی مالی^۳ سیستم‌های تأمین اجتماعی
A: امتیاز ارزیابی اجرای^۴ برنامه‌های تأمین اجتماعی
در امتیازبندی مؤلفه‌های مذکور نوافض و مزایا مربوط به پوشش برنامه‌ها، استحقاق برنامه‌ها، مزایای برنامه‌ها و برنامه‌های تکمیلی و اضافی لحاظ شده است. براساس این شاخص، بالاترین رتبه کارایی نظام تأمین اجتماعی مربوط به استرالیا با مقدار شاخص ۱۰۳۸ است و پایین‌ترین آن (رتبه ۱۷۲) مربوط به آذربایجان با مقدار شاخص ۳۱۸ بوده است.

از آنجا که دیکسون مؤلفه‌های مختلفی را در ارزیابی سیستم‌های تأمین اجتماعی لحاظ کرده است، بنابراین به نظر می‌رسد در تجزیه و تحلیل اقتصاد سیاسی تأمین اجتماعی استفاده از شاخص دیکسون نتایج معتبرتری را ارائه کند تا اینکه صرفاً مخارج تأمین اجتماعی یا مخارج بازنشستگی را ملاک قرار دهیم.

-
1. International Social Security Association
 2. Health Services
 3. Financing
 4. Administration

۲-۵. سایر متغیرها

همان‌طور که ذکر شد، کارایی نظام تأمین اجتماعی از دو دیگاه سیاسی و کارایی قابل بررسی است. دیدگاه سیاسی نوع رژیم حاکم یک کشور را بر نظام تأمین اجتماعی مؤثر می‌دانست و از دیدگاه کارایی متغیرهای اقتصادی و جمعیتی عوامل مهمی هستند. از این رو، در انتخاب متغیرهای مستقل که بر کارایی نظام تأمین اجتماعی تأثیرگذار هستند با دو نوع متغیر سر و کار داریم:

- متغیرهای سیاسی که نوع رژیم سیاسی در یک کشور را مشخص می‌کنند:

شاخص دموکراسی: این شاخص مقادیر ۰-۱۰ را اختیار می‌کند. مقدار صفر نشان‌دهنده حداقل میزان دموکراسی در یک کشور است (مانند عراق و کره شمالی) و مقدار ۱۰ به کشورهایی اختصاص یافته که دارای بالاترین میزان دموکراسی در دنیا هستند (مانند ایالات متحده آمریکا و انگلستان). مقادیر این شاخص از مرکز مطالعات Polity IV وابسته به دانشگاه مریلند^۱ است. در ضمن برخی از کشورهای دنیا هستند که براساس امتیاز Polity IV جزو کشورهای غیردموکراتیک قلمداد می‌شوند، درحالی که این گروه از کشورها جزء کشورهای کمونیستی هستند که اقتصاد آنها مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی است. در این دسته از کشورها نهادهای سیاسی همانند کشورهای دموکراتیک شکل نگرفته است، اما قرار دادن این کشورها جزء کشورهای غیردموکراتیک نیز کار اشتباھی است زیرا در این کشورها نهادهای سیاسی بیشتر از کشورهای غیردموکراتیک است و اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی این کشورها را نمی‌توان نتیجه غیردموکراتیک بودن آنها دانست. بنابراین برای پاسخگویی به این سؤال که آیا نظام تأمین اجتماعی در کشورهای کمونیستی و اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی متفاوت است؟ از یک متغیر مجازی برای کشورهای کمونیستی استفاده می‌کنیم. این متغیر که براساس کار کورنای در سال ۱۹۹۲ محاسبه شده مقدار یک را برای کشورهای کمونیستی و مقدار صفر را برای دیگر کشورها اختیار می‌کند.

- متغیرهای اقتصادی و جمعیتی: براساس توری‌های کارایی مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی و جمعیتی تأثیرگذار

عبارتند از:

• متغیرهای جمعیتی

• جمعیت کشورها: به عنوان شاخصی برای مقیاس اقتصاد

• کسر جمعیت بالای ۶۵ سال: برای مشخص شدن تعداد سالم‌مندان

- متغیرهای اقتصادی نیز عبارتند از:

• GDP: به عنوان شاخصی برای استاندارد سطح زندگی

• درآمد دولت: به عنوان حمایت‌کننده مالی برنامه‌های تأمین اجتماعی

- در صد ارزش افزوده بخش کشاورزی؛ به عنوان جانشینی برای تعداد افراد شاغل در بخش کشاورزی که لیست حقوقی مشخصی ندارند، بنابراین از بسیاری از برنامه‌های تأمین اجتماعی محروم هستند.
- مخارج نظامی؛ چون کشورهای غیردموکراتیک بخش عمده‌ای از بودجه خود را صرف مخارج نظامی می‌کنند انتظار می‌رود که این مخارج بر میزان اختصاص بودجه به مخارج اجتماعی از جمله تأمین اجتماعی تأثیرگذار باشد.
- ضریب جینی؛ به عنوان شاخصی برای تعیین نابرابری درآمد در کشورها؛ داده‌های مذکور از جداول (PWT)^۱، صندوق بین‌المللی پول^۲، بانک جهانی^۳، مجموعه جدید داده‌ها برای ارزیابی نابرابری درآمدی نتیجه کار دنینگر و سکوئر (۱۹۹۶) است گردآوری شده است.

۶. استاندارد کردن داده‌ها

- از آنجاکه داده‌های مورد استفاده در مطالعه حاضر در دامنه‌های متفاوتی است، لذا به منظور تجزیه و تحلیل مناسب رگرسیونی اقدام به استاندارد کردن آنها در دامنه خاصی می‌کنیم:
- داده‌های سیاسی؛ این داده‌ها دامنه ۰-۱۰ را اختیار می‌کنند، بنابراین با تقسیم آنها به ۱۰، داده‌ها را در دامنه ۰-۱ مورد استفاده قرار می‌دهیم.
 - داده‌های جمعیتی؛ چون داده‌های مربوط به جمعیت کشورها در یک دامنه بزرگ است، لذا این داده‌ها را به ۱۰ تقسیم کرده و از لگاریتم آن در تحلیل‌ها استفاده می‌کنیم. در مورد GDP نیز اعداد را به صورت لگاریتمی استفاده می‌کنیم.
 - سایر داده‌ها نیز مانند کسر جمعیت بالای ۶۵ سال، مخارج نظامی، ارزش افزوده بخش کشاورزی، ضریب جینی و درآمدهای دولت به صورت درصد است.

۷. تقسیم‌بندی کشورها

مطالعه حاضر یک مطالعه بین کشوری است. جامعه آماری که شامل ۹۵ کشور دنیا است را در یک تقسیم‌بندی کلی بر اساس GDP سرانه به عنوان شاخص رفاه نسبی کشورها، امتیاز دموکراسی به عنوان شاخص تعیین کننده نوع رژیم سیاسی و امتیاز دیکسون به عنوان شاخص کارایی تأمین اجتماعی با توجه به جدول زیر تفکیک می‌کنیم:

-
1. Penn World Table
 2. International Monetary Fund
 3. World Bank

۵۰ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۷۰

GDP سرانه پایین						GDP سرانه بالا					
رتبه تأمين اجتماعی	نام کشور	رتبه تأمين اجتماعی	نام کشور	رتبه تأمين اجتماعی	نام کشور	رتبه تأمين اجتماعی	نام کشور	رتبه تأمين اجتماعی	نام کشور	رتبه تأمين اجتماعی	نام کشور
دموکراسی پایین	۹۱ کامرون	۱۳۷	ایتیوی	۱۳۵ سوریه							
	۱۵۱ اندوزی	۱۵۳	میانمار	۹۳ تایوان							
	۱۰۱ سودان	۱۳۹	تanzانیا	۷۹ گابن							
	۱۲۷ سنگال	۱۱	بورکینافاسو	۵۳ رومانی							
	۸۵ بنین	۸۴	مالی	۲۲ لهستان							
	۸۷ هندوراس	۸۷	چاد	۴۸ مکزیک							
	۸۰ چن	۷۶	توگو	۳۹ بلغارستان							
	۷۱ مصر	۷۴	رواندا	۱۰۳ عراق							
	۸۲ مراکش	۸۲	نیجر	۴۱ مجارستان							
	۲۷ بولیوی	۱۲۱	اوگاندا	۱۱۷ سنگاپور							
	۳۰ تونس	۱۱۴	کنیا	۱۲۰ عربستان							
	۴۲ نیکاراگو	۱۴۹	هائیتی	۱۲۳ بحرین							
	۱۱۹ ئ	۱۴۵	غنا	۲۶۳ کویت							
	۱۰۲ اردن	۴۷	موریتانی								
	۵۱ گواتاما	۹۴	زامبیا								
	۶۹ الجزایر	۱۰۴	ماداگاسکار								
	پاناما	۱۵۲	بنگلادش								
متوسط امتیاز دیکسون $N_{11} = 720,735$						متوسط امتیاز دیکسون $N_{12} = 756$					
دموکراسی بالا	۱۰۸ هند	۲۱	ایسلند	۱۳۶ فوجی							
	۱۱۸ نیجریه	۷	فلاند	۵۹ کاستاریکا							
	۹۰ پاکستان	۱۲	بلژیک	۶۴ آفریقای جنوبی							
	۱۲۵ زیمباوه	۳۳	هلند	۳۷ برزیل							
	۸۹ فیلیپین	۵	نیوزلند	۴۹ شیلی							
	۱۰۹ سری لانکا	۱۷	فرانسه	۴۹ اروگوئه							
	۹۶ السالوادر	۳	آلمان	۱۵ آرژانتین							
	۱۱۱ دومینیکن	۱۰	دانمار	۴۰ پرتغال							
	۶۲ اکوادور	۴	ک	۴۰ قبرس							
	۱۱۰ جامائیکا	۱۴	لوگزام	۳۳ یونان							
	۶۶ کلمبیا	۲	بورگ	۲۳ ایرلند							
	۵۹ ترکیه	۱	سوئد	۱۶ اسرائیل							
	۱۱۶ پرو	۴۶	استرالیا	۹ اسپانیا							
	۱۲۴ مالزی	۱۸	کانادا	۷۶ ونزوئلا							
		۶۲	سوئیس	۵۹ ترینیداد							
			آمریکا	۲۰ رُاین							
				۲۳ ایتالیا							
				۸ اتریش							
				۳۷ انگلستان							
متوسط امتیاز دیکسون $N_{21} = 722$						متوسط امتیاز دیکسون $N_{22} = 911$					

براساس جدول مشاهده می شود که تقسیم بندی کشورها به صورت کلی عبارت است از: N₁₁: شامل کشورهای نسبتاً فقیر و غیر دموکراتیک که ۳۳ کشور در این قسمت قرار می گیرند. این کشورها اغلب کشورهای آفریقایی هستند. متوسط امتیاز دیکسون برای این دسته از کشورها به استثنای سه کشور بولیوی، تونس و نیکاراگوئه برابر ۷۲۰ است.

N₁₂: شامل کشورهای نسبتاً ثروتمند و غیر دموکراتیک: تعداد کشورهای قرار گرفته در این دسته ۱۴ کشور است. این کشورها اغلب از کشورهای نفتی هستند که از لحاظ GDP سرانه به سبب فروش ثروت ملی در سطح بالایی قرار دارند، اما نهادهای اجتماعی و ساز و کارهای دموکراسی در این کشورها تحقق نیافرته است. متوسط امتیاز دیکسون برای این کشورها ۷۵۸ است.

N₂₁: شامل کشورهای نسبتاً فقر و دموکراتیک: تعداد کشورهای قرار گرفته در این دسته نیز شامل ۱۴ کشور است. این کشورها بر عکس کشورهای دسته قبلی کشورهای فقیری هستند که تعامل میان مردم و حکومت در سطح بالایی قرار دارد. این کشورها اغلب کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای جنوب شرق آسیا هستند. متوسط امتیاز دیکسون برای این کشورها ۷۳۴ است.

N₂₂: شامل کشورهای نسبتاً ثروتمند و دموکراتیک: در این دسته ۳۴ کشور دنیا قرار می گیرند که علاوه بر کشورهای OECD چند کشور دیگر از جمله بربادیل، آرژانتین و ... قرار گرفته اند. متوسط امتیاز دیکسون برای این کشورها ۹۱۱ است.

نتایج نشان می دهد که استفاده از امتیاز دیکسون قطعاً نتایج قابل قبول تری را ارائه می کند، زیرا کشورهای فقیر با درجه دموکراتیک پایین کمترین امتیاز دیکسون و بر عکس کشورهای غنی با درجه دموکراتیک زیاد بالاترین امتیاز دیکسون را به خود اختصاص داده اند.

۸. تصویر مدل

مدل مورد استفاده به شکل تصویر شده عبارت است از:

$$SSEi = C + Demoi + Ducom + Lagdpi + Lpop/10i + Pop65i + Gori + Vagri + Mili + Gini \quad (2)$$

SSEi: امتیاز دیکسون

Demo: شاخص دموکراسی به صورت استاندارد شده مقادیر -۱ و ۰ را اختیار می کند.

Ducom: متغیر مجازی کشورهای کمونیستی مقدار یک را برای کشورهای کمونیستی و مقدار صفر را برای دیگر کشورها اختیار می کند.

Lagdp: متوسط GDP سرانه به صورت لگاریتمی

Lpop/10: لگاریتم کل جمعیت تقسیم بر ۱۰

Pop65: کسر جمعیت بالای ۶۵ سال به صورت درصد

GDP: میزان درآمد دولت به عنوان درصدی از GDP

Vagr: درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی

Mil: مخارج نظامی به عنوان درصدی از GDP

Gin: ضریب جینی

i: تعداد کشورها = ۹۵، ۹۶، ...، ۱۰۲

با درنظر گرفتن این مدل و معرفی متغیرهای مجازی به تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر کارایی نظام

تأمین اجتماعی می‌پردازیم.

۹. برآورد الگو

داده‌های متغیرهای معرفی شده در بخش قبل را از منابع مختلف برای دوره زمانی (۱۹۶۰-۱۹۹۰) استخراج کرده و میانگین داده‌ها را درنظر می‌گیریم. انتخاب دوره زمانی (۱۹۶۰-۱۹۹۰) به دو دلیل بوده است. نخست، از آنجایی که این مطالعه به بررسی رابطه تأمین اجتماعی و دموکراسی می‌پردازد، لذا انتخاب دوره زمانی که بیشترین تغییرات سیاسی در کشورهای مختلف صورت گرفته مطمئناً نتایج ارزنده‌تری را نشان می‌دهد. در این دوره نوع حکومت در بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی، اروپای شرقی، خاورمیانه، جنوب شرق آسیا و شوروی تغییرات چشمگیری داشته است. ثانیاً از آنجا که حجم جامعه آماری شامل ۹۵ کشور دنیاست، لذا برای دسترسی به مجموعه داده^۱ برای این تعداد کشور باید از داده‌های سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی استفاده کرد یا از داده‌های مربوط به مطالعات قبلی کمک گرفت، اما باید درنظر داشت بسیاری از این منابع داده‌های مذکور را در دهه اخیر یا به صورت پراکنده گزارش کرده‌اند یا اصلاً گزارش نکرده‌اند. به عنوان مثال، آمار ارائه شده برای ضریب جینی که به صورت یک مجموعه داده توسط بانک جهانی ارائه شده حداقل تا سال ۱۹۹۳ برای برخی از کشورها موجود است. بر این اساس، الگوی معرفی شده را با درنظر گرفتن متغیرهای مجازی مناسب برای ۹۵ کشور دنیا و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی^۲ برآورد می‌کنیم.

1. Data Set

2. Ordinary Least Square (OLS)

۱-۹. نتایج برآورد الگو با اضافه کردن متغیرها

پس از بیان دلیل استفاده از امتیاز دیکسون و تایید آن اینکه به تخمین الگوی مربوطه می‌پردازیم. به منظور آگاهی از میزان اهمیت هریک از متغیرها تمام آنها را به مدل اضافه می‌کنیم. خلاصه نتایج در جدول (۳) آورده شده است.

روابط (۱) و (۲) به بررسی تأثیر دو عوامل سیاسی شاخص دموکراسی و متغیر مجازی کشورهای کمونیستی بر کارایی تأمین اجتماعی می‌پردازد. ضریب دموکراسی در این روابط از لحاظ آماری معنادار است و به نظر می‌رسد ۲۵ درصد تغییرات مربوط به کارایی نظام تأمین اجتماعی به آزادی‌های سیاسی مرتبط است.

در روابط بعدی به صورت مجزا متغیرهای اقتصادی و جمعیتی اضافه شده است. با اضافه کردن این متغیرها نقش متغیرهای سیاسی کم‌نگ‌تر می‌شود، به طوری که نتایج بدست آمده در رابطه آخر نشان می‌دهد که شاخص دموکراسی از لحاظ آماری معنادار نیست و متغیر مجازی برای کشورهای کمونیستی منفی است و به این معناست که در کشورهای کمونیستی عملکرد اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی تأثیر منفی بر کارایی تأمین اجتماعی دارد.

در رابطه (۳) متوسط GDP سرانه اضافه شده است. هر چند ضریب این متغیر منفی است، اما به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. در برازش رابطه (۴) دو متغیر جمعیت کل کشور و کسر جمعیت بالای ۶۵ سال اضافه شده است. هر چند متغیر کل جمعیت در تمام روابط از لحاظ آماری معنادار نیست، اما جمعیت بالای ۶۵ سال یک متغیر بسیار تأثیرگذار بر کارایی برنامه‌های تأمین اجتماعی است. بر اساس روابط (۵) و (۶) در آمد دولت‌ها و ارزش افزوده بخش کشاورزی بر کارایی تأمین اجتماعی بی‌تأثیر هستند. در رابطه (۷) متغیر مخارج نظامی از لحاظ آماری معنادار است و نتایج نشان می‌دهد با افزایش مخارج نظامی کارایی تأمین اجتماعی کاهش می‌یابد. در رابطه آخر متغیر ضریب جینی برای روشن شدن اثر نابرابری بر کارایی تأمین اجتماعی اضافه شده است. ضریب این متغیر مثبت و از لحاظ آماری معنادار است بنابراین، افزایش در نابرابری در آمدی اثر مشتبی بر کارایی دارد.

متغیرهای مستقل									
(۸)	(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)		
-۳۵/۹۲	-۴۳/۸۴	۶/۳۴	۲۶/۶۳	۵۶/۶۱	۱۳۳/۱۴	۱۱۴/۰۷	۱۲۰/۰۱	شاخص دموکراسی	
(-۰/۸۹)	(-۱/۳۴)	(+۰/۱۸)	(۰/۰۲)	(۱/۹۶)	(۴/۴۷)	(۵/۱۶)	(۵/۶۵)		
-۷۵/۰۳	-۷۹/۶۹	-۸۷/۳۱	-۹۱/۹۰	-۸۷/۱۱	-۳۲/۰۳	-۳۲/۴۰		متغیر مجازی کشورهای	
(-۲/۰۵)	(-۲/۷۷)	(-۲/۶۶)	(-۲/۸۱)	(۲/۹۶)	(-۰/۹۸)	(-۰/۹۹)		کمونیستی	
-۱۹/۲۴	-۶/۸۸	-۱۶/۰۶	-۳۱/۴۶	-۵۴/۵۸	-۱۱/۸۱			متوسط GDP سرانه به صورت	
(-۰/۶۸)	(-۰/۲۹)	(-۰/۶۲)	(-۱/۹۰)	(۴/۴۱)	(-۰/۹۸)			لگاریتمی	
۱۱۳/۵۷	۴۵/۴۵	-۶۶/۱۷	-۸۳/۵۵	-۴۷/۰۷				لگاریتم کل جمعیت تقسیم بر	
(۱/۴۵)	(۰/۷۵)	(-۱/۰۳)	(-۱/۴۴)	(۰/۹۰)				۱۰	
۴۲/۰۴	۲۴/۱۱	۲۲/۶۴	۲۲/۱۸	۲۰/۹۶				کسر جمعیت بالای ۶۵ سال	
(۵/۶۵)	(۶/۵۱)	(۵/۴۲)	(۵/۶۲)	(۶/۰۵)					
-۲/۰۴	-۱/۷۸	-۲/۱۹	-۱/۵۴					میزان درآمد دولت به عنوان	
(-۱/۵)	(-۱/۸۲)	(-۲/۰۳)	(۰/۱۲۸)					درصدی از GDP	
۱۳/۸۹	-۱۲/۶۷	۲۹/۳۸						درصدارزش افزوده بخش	
(+۱)	(-۰/۱)	(۰/۲۳)						کشاورزی	
-۳۷/۴۱	-۳۱/۸۷							مخارج نظامی به عنوان درصدی از	
(-۴/۵۱)	(-۴/۴۷)							GDP	
۲/۷								ضریب جینی	
(۲/۰۲)									
۰/۵۵	۰/۴۰	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۲۵	R^2	

$$\begin{aligned}
 SSE_i = & 827 - 139Demo_i + 8.2Lagdp_i + 11.48Pop65_i - 0.29Mil_i - 2.3Gin_i \\
 & + 122Dum4*Demo_i - 83.5Dum5*Mil_i + 4.7*Dum5Gin_i \\
 t-sta & \quad (-2.99) \quad (0.51) \quad (3.34) \quad (-0.12) \quad (-2.27) \\
 & \quad (3.28) \quad (-7.71) \quad (6.29)
 \end{aligned}$$

برآورد با استفاده از متغیرهای
مجازی مناسب:

$$R^2 = 0.74 \quad D-W = 2.03$$

- تخمین‌های رگرسیونی به روش OLS صورت گرفته و همگی شامل مقدار ثابت است.
- متغیر وابسته: امتیاز دیکسون برای تأمین اجتماعی.
- اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t-student را نشان می‌دهد.
- فرض عدم وجود خودهمبستگی، تصریح صحیح مدل و عدم وجود واریانس ناهمسانی در این مدل تأیید شد.

۲-۹. نتایج الگو با اضافه کردن متغیرها به صورت مجزا

۲-۹-۱. تخمین الگو و تفسیر آن

برآورد الگو با استفاده از متغیرهای مجازی برای کشورهای ثروتمند و دموکراتیک (Dum1) و کشورهای کمتر دموکراتیک (کشورهای نیمه بالای جدول (۲) در سطر آخر برآوردها در جدول ذکر شده است. این برآورد نشان می‌دهد که ضریب دموکراسی در کشورهای دموکراتیک و ثروتمند ۱۲۲ است و این بدان معناست که دموکراسی تأثیر مثبت قابل توجهی بر کارایی تأمین اجتماعی می‌گذارد درحالی که برای سایر کشورها این تأثیر منفی است. در تحلیل این نتایج می‌توان گفت در کشورهای مردم‌سالار ساز و کارهای دموکراسی به درستی شکل گرفته و قوام یافته است و تعامل دوجانبه بین مردم و حکومت سبب می‌شود مردم در ازای پرداخت مالیات از دولت خود متوجه باشند و بنابراین در انتخاب برنامه‌های تأمین اجتماعی حساس و دقیق هستند و دولتمردان نیز در مقابل مردم پاسخگو می‌باشند و از این رو در تحقق برنامه‌های انتخاباتی شان حداکثر تلاششان را انجام می‌دهند. اما در کشورهای غیردموکراتیک از یک سو مردم به دلیل عدم اعتماد لازم به حکومت دقت لازم را در انتخاب برنامه‌ها ندارند و از سوی دیگر، رهبران و برنامه‌ریزان کشورهای غیردموکراتیک در تحقق برنامه‌های تأمین اجتماعی بیشتر رفتارهای عوام فریبانه را درپیش می‌گیرند و بدليل ساختار نامناسب مدیریتی در این کشورها مزایای برنامه‌ها در اختیار ذینفعان قرار نمی‌گیرد و به کارائی برنامه‌ها توجهی نمی‌شود. با توجه به تقسیم‌بندی کشورها در جدول (۲) کشورهای غیردموکراتیک به کشورهای غیردموکراتیک فقیر و غیردموکراتیک ثروتمند تقسیم‌بندی کشیده است که در کشورهای غیردموکراتیک فقیر به دلایل مختلف از جمله سطح پایین استاندارد زندگی و درآمد سرانه، سطح پایین تحصیلات، کمبود نهادهای سیاسی و اجتماعی اثر دموکراسی بر سیاست‌های عمومی ناچیز است. دسته دوم کشورها، کشورهای غیردموکراتیک ثروتمند هستند. این دسته از کشورها عمده‌تاً کشورهای صادرکننده منابع طبیعی‌اند و دولت در این کشورها به یک دولت رانتی تبدیل شده است که منع درآمدی آن به جای مالیات فروش منابع طبیعی است. در این کشورها نیز دموکراسی با توجه به مکانیزم‌های زیرکارایی خود را از دست داده است:

- اثر مالیات: زمانی که دولت درآمد کافی از صادرات منابع طبیعی در اختیار دارد، مالیات کمتری وضع

می‌کند و در مقابل مردم نیز تقاضای کمتری برای پاسخگویی دولت دارد.

- اثر مخارج: دولت از طریق مخارج خود برای کسب مشروعتی بیشتر استفاده می‌کند که مانع ایجاد

فشار از سوی مردم برای ایجاد دموکراسی می‌شود.

- اثر عدم شکل‌گیری گروه‌ها: دولت از رانت حاصله از منابع طبیعی برای جلوگیری از شکل‌گیری

گروه‌های اجتماعی مستقل که ممکن است خواهان حقوق سیاسی بیشتر باشند، استفاده می‌کند.

متغیر متوسط GDP سرانه که به عنوان شاخصی برای سطح زندگی استفاده شده از لحاظ آماری بی‌معنا است، اما این متغیر تأثیر بسزایی در کشورهای فقیر بر تأمین اجتماعی می‌گذارد. متغیر تعداد افراد بالای ۶۵ سال از لحاظ آماری معنادار است و همانطور که در قالب تئوری‌های سیاسی بیان شد تعداد افراد سالمند یک مؤلفه اساسی در انتخاب برنامه‌های تأمین اجتماعی به عنوان یک سیاست عمومی است، ضمن اینکه با توجه به تئوری‌های کارایی، تعداد سالمندان، نقش غیر قابل انکاری در بهره‌وری نیروی کار، بازار کار و کارایی برنامه‌های تأمین اجتماعی دارد. با استفاده از یک متغیر مجازی برای کشورهای کمتر دموکراتیک به تأثیر مخارج نظامی بر کارایی تأمین اجتماعی می‌پردازیم. نتایج نشان می‌دهد افزایش مخارج نظامی تأثیر منفی بر کارایی تأمین اجتماعی دارد و این تأثیر برای کشورهای کمتر دموکراتیک محسوس‌تر و از لحاظ آماری معنادار است، زیرا این کشورها بودجه قابل ملاحظه‌ای را به مخارج نظامی اختصاص می‌دهند، اما این ضریب برای سایر کشورها معنادار نیست و علت آن این است که در کشورهای مردم سالار اختصاص بودجه نظامی مناسب با سایر بخش‌ها است.

برای بررسی نابرابری درآمدی بر کارایی تأمین اجتماعی نیز یک متغیر مجازی برای ضریب جینی کشورهای کمتر دموکراتیک در نظر می‌گیریم. نتایج نشان که افزایش نابرابری درآمدی در کشورهای کمتر دموکراتیک منجر به افزایش کارایی تأمین اجتماعی می‌شود در این کشورها شکاف درآمدی زیاد است و استفاده از مکانیزم‌های توزیع مجدد مطمئناً برای کارایی تأمین اجتماعی اثر دارد. این متغیر از لحاظ آماری معنادار است. در مورد سایر کشورها این ضریب منفی است. به‌نظر می‌رسد افزایش نابرابری در کشورهای دموکراتیک از کارایی تأمین اجتماعی می‌کاهد. در برآشش اخیر قدرت توضیح دهنده ۷۵ مدل درصد است.

۱۰. تیجه‌گیری

در ادبیات اقتصاد سیاسی تأمین اجتماعی و مطالعات بین کشوری که در این خصوص صورت گرفته و بنا بر برخی دلایل و تئوری‌های که در سطور پیشین به آنها اشاره شد و با مبنای قرار دادن مخارج تأمین اجتماعی در تحلیل‌ها بین کشورهای مردم‌سالار و اقتدارگرا تقاضی در برنامه‌های تأمین اجتماعی وجود ندارد. این مطالعه با درنظر گرفتن کارایی تأمین اجتماعی بجائی مخارج آن نشان داد بین کارایی و اقتصاد سیاسی رابطه محسوسی و معناداری وجود دارد و شرط وجود ساز و کار مناسب و کارا در سیستم تأمین اجتماعی مستلزم توجه به فاکتورهای دخیل در امتیاز متعلق به دموکراسی است. بنابراین تقویت نهادهای سیاسی، برگزاری انتخابات عادلانه و آزاد، تفکیک اختیارات قوا، مطبوعات آزاد و پرسشگر، واحترام به حقوق بشر از الزامات دسترسی به یک تأمین اجتماعی کاراست. ازسوی دیگر، باید به مؤلفه‌های مؤثر بر شاخص کارایی تأمین اجتماعی نیز تمرکز نمود و بر این اساس سیاست‌های توصیه‌ای در این خصوص را می‌توان توجه به بازماندگان و برآورده کردن نیازهای ایشان، درنظر گرفتن مزایای تأمین اجتماعی برای کودکان و برنامه‌ریزی در خصوص جبران خسارت ناشی از صدمات دائمی دانست.

منابع

- رئیس‌دان، فریبرز (۱۳۸۱)، دموکراسی در برابری عدالتی، تهران: نشر علم.
- رثافی، محسن (۱۳۸۲)، "رابطه متقابل دموکراسی، آزادی اقتصادی و تأمین اجتماعی"، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۵ه.
- رثافی، محسن (۱۳۸۲)، "تأمین اجتماعی و دموکراسی"، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۳.
- طالب، مهدی (۱۳۸۱)، *تأمین اجتماعی*، مشهد: انتشارات دانشگاه امام رضا.
- میرفلاح نصیری، سید نعمت!... (۱۳۸۶)، گزیده مطالب آماری، سال ۱۸، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- Aaron, H. (1966), "The Social Insurance Paradox", *Canadian Journal of Economics and Political Science*, Vol. 32, PP. 371–374.
- Alesina, Alberto, Gerald D. Cohen & Nouriel Roubini (1992), "Macroeconomic Policy and Elections in OECD Democracies", *Economics and Politics*, March, PP. 1-30
- Barro, Robert J. (1994), "Democracy and Growth", NBER Working Paper, No. 4909, October.
- Browning, Edgar K. (1975), "Why the Social Insurance Budget Is Too Large in a Democracy", *Economic Inquiry*, Vol. 13, No. 3, Sept, PP. 373-88.
- Casamatta, G., Cremer, H. & P. Pastieu (1999), "The Political Economy of Social Security", CORE Discussion Paper #9955.
- Cooley, T. F. & J. Soares (1996), "Will Social Security Survive the Baby Boom?", *Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy*, Vol. 45, PP. 89– 121.
- Cutright, Phillips (1965), "Political Structure, Economic Development and National Social Security Programs", *American Journal of Sociology*, Vol. 70, No. 5, March, PP. 539-55.
- Deininger, Klaus & Lyn Squire (1996), "A New Data Set Measuring Income Inequality", *World Bank Economic Review*, Vol. 10, No. 3, September, PP. 565-91.
- Dixon, J. (2000), "A Global Ranking of National Social Security System", *International Social Security Review*, Vol. 10, No. 2, PP. 53-1,
- Hansson, I. & C. Stuart (1989), "Social Security as Trade Among Living Generations", *American Economic Review*, Vol. 79, PP. 549–559.
- Kornai, János (1992), *The Socialist System: The Political Economy of Communism*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Mulligan, C. B. & X. Sala-i-Martin (1999a), "Gerontocracy, Retirement and Social Security", NBER Working Paper #7117, Cambridge, Mass.
- Mulligan, Casey B., Ricard Gil & Xavier Sala-i-Martin (2004), "Do Democracies have Different Public Policies than Nondemocracies?", *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 18, No. 1, Winter, PP. 51-74.
- Mulligan, Casey B., Ricard Gil & Xavier Sala-i-Martin (2004), "Social Security and Democracy", NBER Working Paper, No. 8958, May.
- Mulligan, Casey B., Ricard Gil (2004), "Internationally Common Features of Public Old-Age Pensions, and Their Implications for Models of the Public Sector", *Advances in Economic Analysis & Policy*, Vol. 4, No. 1, Article 4.
- Mulligan, Casey B., Ricard Gil (2004), "Political and Economic Forces Sustaining Social Security", *Advances in Economic Analysis & Policy*, Vol. 4, PP. 1, Article 5.
- Polity IV Project (2000), *Political Regime Characteristics and Transition, 1800-2000*. Electronic Data File (Version p4v2000), College Park, MD: CIDCM, University of Maryland.

- Samuelson, P. A.** (1958), "An Exact Consumption-Loan Model of Interest with or Without the Social Contrivance of Money", *Journal of Political Economy*, Vol. 66, PP. 467– 482.
- Tabellini, G. A.** (1992), *Positive Theory of Social Security* mimeo IGIER, Milano, Italy, February.
- Verhoeven, M. J. M. & H. A. A. Verbon** (1991), "Expectations on Pension Schemes under Non-Stationary Conditions", *Economic Letters*, Vol. 36, PP. 99– 103.